

شیلنگ



میثم سعادت

روزنامه‌نگار

هفته قبل، آقای صالحی، همسایه طبقه بالا آمده بود در منزل ما و کلی خوش‌وبش کرد. حال و احوال پسر را پرسید و بعد هم التماس دعا داشت برای انتخاب مدیر ساختمان. گفتم که زیاد تمایلی ندارم در اختلافات دو همسایه دخالت کنم. مدیر فعلی ساختمان هم اسمش آقای صالحی است. یعنی به صورت اتفاقی هر دو مدیر فامیلی‌شان صالحی است و همین دو نفر هم همیشه سر جای پارکینگ و خیلی مسائل دیگر، با هم مشاجره دارند. به ایشان گفتم اساساً برای من تفاوتی بین این آقای صالحی و آن آقای صالحی نیست. اما اصرار ایشان باعث شد دو شب بعد من هم به ایشان رأی بدهم.

روز بعد از رأی گیری، وقتی قصد داشتم خودرو را از خانه خارج کنم، متوجه شدم که یک ماشین جلوی پارکینگ پارک کرده است. بعد از یک ساعت پرس‌وجو متوجه شدم خودرو متعلق به همسر جدید آقای صالحی جدید است. (آقای صالحی، مدیر جدید ساختمان اخیراً ازدواج کرده‌اند). از ایشان خواهش کردم صبح‌ها خودرو جلوی پارکینگ نباشد که چه‌ها بموقع به مدرسه و مهدکودک برسند. ایشان با بدخلقی جواب داد وقتی همسر قدیم آقای صالحی قدیم، خودروی خود را جلوی پارکینگ می‌گذاشت، چرا اعتراض نمی‌کردی؟ آقای صالحی، مدیر سابق ساختمان، یک همسر بیشتر نداشت که پرستار بیمارستان بود و گاهی شب‌ها، خودروی خود را جلوی در می‌گذاشت. انصافاً برای من که شب‌ها اهل رانندگی نیستم، مسئله‌ساز نبود اما احتمالاً این آقای صالحی مشکل ایجاد می‌کرد. وقتی اینها را به ایشان گفتم، فرمود اندازه یک بادمجان به من فرصت بده. گفتم بادمجان چی؟ اینکه خودروی همسر جدید شما نباید جلوی در باشد، چه ربطی به بادمجان دارد؟ همین موقع آقای صالحی قدیم آمد و به من گفت اگر رأی داده بودید امروز شاهد این وضعیت نبودیم. به ایشان گفتم اساساً رأی گیری مخفی بوده و شما نمی‌توانید رأی من را حدس بزنید.

مباحث ما داشت به مشاجره می‌کشید که آقای صالحی جدید، از آقای صالحی قدیم، دعوت کرد یک جلسه هم‌اندیشی برگزار شود تا مشکلات ساختمان در فضایی صمیمانه طرح و حل‌وفصل شود. من هم به جلسه دعوت نشدم. یعنی جلسه فقط بین آقایان صالحی برگزار می‌شد و قرار شد نتیجه را به من ابلاغ کنند.

دیروز صبح آقای صالحی قدیم زنگ خانه ما را زد. کلی از آقای صالحی جدید بدگویی کرد و گفت، این وضعیت فعلی، ناشی از این است که شما روز رأی گیری به وظیفه خودت عمل نکردی. بعد هم گوش من را کشید و گفت این ساختمان سه واحد است. من هم یک رأی بیشتر نیاوردم. چطور فکر می‌کنی رأی گیری مخفی بوده؟

بعد از اینکه کلی ابراز شرمندگی کردم، از او خواستم نتیجه مذاکره را به من بگوید که گفت اساساً مذاکره‌ای در کار نبوده و هم‌اندیشی بوده و مسئول تصمیمات غلط، فقط و فقط مدیر جدید ساختمان است.

گفتم حُب حالا این تصمیمات غلط چی بود؟ آقای صالحی قدیم گفت قرار شد مثل قبل، همسر من که جزو کادر درمان است، ماشینش را جلوی پارکینگ پارک کند. آقای صالحی جدید هم ماشینش را جای ماشین شما در پارکینگ قرار دهد. چون ماشین همسر جدید آقای صالحی جدید، یک خودروی جدید است. می‌گویم نتیجه مذاکره شما ذبح حق من بود. آدم یاد مذاکرات آمریکا و اسرائیل درباره آینده صلح خاورمیانه می‌افتد که آقای صالحی قدیم مجدد تاکید کرد آنچه اتفاق افتاد یک هم‌اندیشی ساده بود. در نهایت مدیر ساختمان فعلی فرد دیگری است که اجازه دارد تصمیمات درست و اصولی، برای کاهش تنش بین اهالی ساختمان و بهبود جایگاه ساختمان و ارتقای دوستی‌ها بین همسایه‌ها را بگیرد.

شب قصد داشتم نتیجه مذاکرات را به همسرم بگویم اما نگران بودم که به این تصمیم اعتراض کند و بگوید وضعیت فعلی ناشی از رأی دادن تو است و اگر رأی ندها بودی، وضع بهتر بود. اما همسرم پیش‌دستی کرد و گفت آقای صالحی گفته در راستای تقویت گفت‌وگو همسایگی، تقویت همدلی، شعارهای برابری خواهانه و استفاده بهینه از همه ظرفیت‌های ساختمان، قرار شده همه همسایه‌ها از دیش ماهواره، مودم، اینترنت و شیلنگ سرویس بهداشتی حیاط مشترک استفاده کنند و در مرحله اول، وظیفه نصب تجهیزات ماهواره و اینترنت با ما شده که روزنامه‌نگاریم و وظیفه تهیه شیلنگ هم به آقای صالحی سپرده شده است.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیری • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتورها)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار، حرفه‌چی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میم • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

میهمانان جزیره شوم

ابعاد جدید پرونده جفری ایستین
نام‌های مشهوری را به میان آورده است از جمله دونالد ترامپ و مایکل جکسون



NPR: عکس



سپهر خرمی

خبرنگار گروه فرهنگ

توسط دادگاه، برخی چهره‌های سرشناس که در گذشته با ایستین رفت‌وآمد داشتند نیز دیده می‌شود. یکی از این چهره‌های مشهور؛ شاهزاده اندرو، شاهزاده سابق بریتانیا است که نامش در این پرونده وجود دارد. شاهزاده بریتانیا در سال ۲۰۲۲ متهم شد که در گذشته با «ویپر جینیا جفری»، رابطه زیر سن قانونی داشته است. اتهامی که اندرو آن را رد کرد. در یکی از همین پرونده‌های قضایی در آن زمان، وکلای اندرو گفتند: «پرنس اندرو از ارتباط خود با ایستین پشیمان است و از شجاعت خانم جفری و سایر بازماندگان در دفاع از خود و دیگران تمجید می‌کند.»

گفتنی است «ایهود پارک»، نخست‌وزیر سابق اسرائیل هم در بین چهره‌هایی است که از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ پراساس گزارش وال استریت ژورنال به صورت هفتگی به سمت کاخ مجلل «ایستین» رفت‌وآمد داشته است. رفت‌وآمدهای مدام او نیز بعضی این گمانه‌زنی‌ها به وجود آورده است که این ارتباط برای تشکیل کاری امنیتی - اطلاعاتی توسط موساد بوده است. نام رئیس جمهوری‌های آمریکا هم در این لیست دیده می‌شود.

یکی از مهمانان ایستین در سال ۲۰۱۹ به وال استریت ژورنال گفته بود: «بیل کلینتون، همچنین در میان افرادی که نام آنها در اسناد آمده، حضور داشته است. ظاهراً بیل کلینتون توسط ایستین به عنوان «یک دوست خوب» توصیف شده بود. کلینتون اما پیش‌تر گفته بود که چهار سفر «در ارتباط با کار بنیاد کلینتون» داشته است. در یکی دیگر از اسناد، مکسول (دستیار ایستین) شهادت می‌دهد که کلینتون هرگز در جزیره ایستین غذا نخورده است.»

▼ پرونده جفری ایستین چه اتفاقی افتاد؟

به گفته دادستان، ایستین متهم به تجاوز جنسی به دختران نوجوان متعددی بود که برخی از آنها ۱۴ سال سن داشتند. در طول سالیان متداری، او ظاهراً از شبکه گسترده‌ای از دختران زیر سن قانونی برای رابطه نامشروع در خانه‌های خود در منهتن سوءاستفاده کرده است. ایستین نسبت به اتهاماتی که در سال ۲۰۱۹ توسط دادستان‌های فدرال در نیویورک در رابطه با توطئه قاچاق جنسی و یک مورد قاچاق جنسی با دختران زیر سن قانونی مطرح شد، اعتراف کرده بود که بی‌گناه است. مرگ او در زندان قبل از محاکمه خودکشی اعلام شد که هنوز ابهام‌های بسیاری را در بر دارد. هنوز عده‌ای از قضات آمریکا معتقد هستند، ایستین خودکشی نکرده و در زندان به قتل رسیده تا بسیاری از اسامی افشا نشود. نکته حائز اهمیت این است که ایستین در سال ۲۰۰۸ یک‌بار اعتراف کرده بود که ارتباط نامشروع با دختران زیر سن قانونی را پذیرفته است. در این اعتراف و توافق دو جانبه با دادگاه، قرار شده بود ایستین ۱۳ ماه حبس بکشد و از زندان آزاد شود.

▼ مشهورها در لیست سیاه

اما در لیست منتشر شده نام بیش از ۱۰۰ شخصیت مشهور دیده می‌شود که حواشی زیادی را به وجود آورده است. هر چند باید به این نکته اذعان داشت که درج این نام‌ها به دلیل متخلف و حتی متهم بودن آنها نیست. دیوید کاپرفیلد، یکی از افرادی است که نامش در این اسناد آورده شده است. «یوهانا شوبرگ»، یکی از قربانیان این پرونده در اظهارات خود گفته، با دیوید کاپرفیلد شعبده‌باز در خانه ایستین شام خورده است. کاپرفیلد اما متهم به هیچ تخلفی نیست. دونالد ترامپ نیز یکی دیگر از جنجالی‌ترین اسامی مطرح شده است که یکی از شاهد‌های پرونده در این باره می‌گوید، وقتی طوفانی در فلوریدا رخ داده بود ایستین بعد از فرود اضطراری، به کاربنیوی ترامپ می‌رود. این اتفاق در سال ۲۰۰۱ رخ داده است. هر چند یوهانا شوبرگ، قربانی پرونده ایستین می‌گوید، ترامپ هیچ‌گاه به او پیش‌نهادی نداده است.

همچنین ترامپ در سال ۲۰۱۸ گفت، ایستین را می‌شناسد همانطور که همه در پالم بیچ او را می‌شناختند. ترامپ در ادامه می‌گوید، بیش از ۱۵ سال است که حتی یک ثانیه مکالمه تلفنی با ایستین نداشته بود. یکی از جنجالی‌ترین اسامی مطرح شده، نام مایکل جکسون در این پرونده است که از «شوبرگ» در این باره پرسیده می‌شود، آیا زمانی که در رابطه با ایستین بوده با شخص مشهوری دیدار کرده است؟ شوبرگ چنین پاسخ می‌دهد که مایکل جکسون را در خانه ایستین در «پالم بیچ» ملاقات کرده است اما هیچ‌گاه تخلفی از سوی جکسون ندیده است. گفتنی است اسامی دیگری چون لئوناردو دی‌کاپریو و باراک اوباما نیز در این پرونده قطور قضایی دیده می‌شوند که فعلاً هیچ اتهامی به آنها نسبت داده نشده و صرفاً ارتباط کاری با دوستانه با ایستین بوده که نام آنها را به این پرونده باز کرده است. این پرونده قرار است به‌زودی با حکم نهایی دادستانی برای همیشه بسته شود.



▼ اسناد دادگاه مربوط به جفری ایستین چیست؟

اسناد جدید چنین منتشر شده که افرادی که زیر سن قانونی قربانی این پرونده هستند، نام‌شان به صورت رسمی منتشر نخواهد شد، اما افرادی که خودشان با افشای نام‌شان مشکلی ندارند، به صورت رسمی در رسانه‌ها نام‌شان منتشر می‌شود.

ریکی کلیم، تحلیلگر حقوقی سسی‌اس‌ان نیز در خصوص سرنویشت این پرونده گفته است: «در بسیاری از موارد، اسامی در اسناد واقعاً مربوط به افراد بی‌گناه است. این افراد ممکن است شاغل بوده باشند، افرادی هستند که ممکن است برای شام با میهمانی در خانه جفری ایستین رفته باشند. لزوماً نابردن از افرادی نیست که دست به اقداماتی شبیه به اقدامات تاسف‌بار جفری ایستین و گیسلین مکسول زده‌اند.» در اسناد منتشر شده

چهره

سالمرگ شاعر «چشم‌های خرمایی مرگ»

«از طعم اشک / بر گونه انسان باخبرم / و از این همه سیاهی منتشر در گورستان / سینی حلوا و خرما را بچرخان / بگذار مرگ / طعم شیرین‌تری داشته باشد» بکتاش آبتین، شاعر «چشم‌های خرمایی مرگ» دو سال پیش، در چنین روزی بر اثر ابتلا به کرونا در ۴۷ سالگی درگذشت. این شاعر و مستندساز که در حال سپری کردن دوران محکومیت قضایی خود بود، پیش‌تر نیز در زندان به ویروس کرونا مبتلا شده و بهبود یافته بود اما در ابتلای دوباره به کرونا توسط خانواده به بیمارستانی در تهران انتقال یافت و در روند درمان به کمای مصنوعی فروبرده شد. در نهایت، مداوا نتیجه‌بخش نبود و آبتین شنبه، ۱۸ دی ماه ۱۴۰۰ در بیمارستان درگذشت. بکتاش آبتین متولد سال ۱۳۵۳ بود. «وای من که قلم شد نوشت برگردیم»، «هزه‌ها، چشم‌هایم را بخیه کرده‌اند»، «شناسنامه خلوت»، «در میمون خردم پدربزرگم» و «پتک» از جمله کتاب‌های شعر او بود و «کاملاً خصوصی برای آگاهی عموم» (زندگی عیاشانه مولوی)، «۱۳ اکتبر ۱۹۳۷» (زندگی لوریس چکناوریان) «موریه‌های با دندان‌های شیری» (سلف‌پرتره از زندگی خود هنرمند)، از جمله فیلم‌های مستندی بودند که ساخت.



کتابخانه

معنای آزادی فرجامین

کتاب «فصل‌های درون»، نوشته جوانگ دزو، با ترجمه بهزاد برکت و هرمز ریاحی در ۱۶۲ صفحه و با قیمت ۲۰۰ هزار تومان توسط انتشارات نشر نو منتشر شده است. در معرفی این کتاب آمده است: «برای بیشتر چینیان، جوانگ دزو، معرف حداعلای هر آن چیزی است که در انسان می‌ستاییم. او در خشان، اسرارآمیز، عمل‌گرا به معنای فلسفی کلمه، شوخ‌طبع و لذت‌بخش، پیروز شده در آسوده‌بودن از نیاز به پیروزی و از همه مهم‌تر آزاد است. او خود خودش است که چون باد و آب در زندگی به گشت درآمده و از شادمانگی‌های بسیارش بی‌تعلق‌های ملال‌انگیز، کیف کرده است.



فصل‌های درون

نویسنده:

جوانگ دزو

مترجمان: بهزاد

برکت و هرمز ریاحی

انتشارات: نشر نو

جوهر جوانگ دزو همان معنای آزادی فرجامین است. او از این عهده برمی‌آید که در جهان آشوب‌زده در سلامت کامل زندگی کند؛ از حد‌اعلای انسانیت لذت ببرد، بی‌آنکه از آن فروکشیده شود. انگار او از میان همه پرده‌های مصائب بشریت که حقیقت‌زالی را پنهان می‌دارند، نگاه می‌کند.»

تاریخ

لغو قوانین مطبوعاتی ایران



۱۸ دی‌ماه سال ۱۳۲۹ خورشیدی در پی دومه تلاش پیگیر روزنامه‌نگاران، طرح لغو همه قوانین مطبوعاتی کشور به استثنای قانونی که مجلس دو سال پس از مشروطه شدن کشور وضع کرده بود، از تصویب گذشت. این اتفاق بعد از آن رخ داد که مطبوعات کشور از آبان ماه ۱۳۲۹ تحت فشار قرار گرفتند که درباره موضوع نفت چیزی ننویسند. روزنامه‌نگاران در واکنش به این امر، در ساختمان مجلس تحصن کردند و از مردم خواستند با ارسال نامه و طومار، به این فشار غیرقانونی اعتراض کنند. در کنار این، روزنامه‌نگاران به مقامات قضایی نیز متوسل شدند، از تعداد صفحات روزنامه‌ها کاستند و از انتشار اخباری که وزارتخانه‌ها ارسال می‌کردند، خودداری کردند. این اعتراض‌ها با تصویب طرح لغو قوانین در دی‌ماه ۱۳۲۹ به نتیجه نشست اما پس از کودتای ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲، حکومت باردیگر مقررات سابق را به نام قانون مطبوعات بر رسانه‌های ایران حاکم کرد و بدین ترتیب بهار مطبوعات در ایران به خزان نشست.